

عنوان مقاله:

داستان گویی نمایشی در ایران

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 4، شماره 7 (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

علی شیخ مهدی - دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

محمود طاووسی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

محمد رضا خاکی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

حبیب الله لزگی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

هر چند داستان گویی نمایشی در سرزمین ها و زمان های مختلف همواره وجود داشته، در ایران روال رو به رشدی نداشته است. پیش از اسلام، گوسان های پارتیو خنیاگران ساسانی، هنگام داستان گویی از موسیقی، رقص و آواز و احتمالاً همراهی چند بازیگر بهره می گرفتند. این نوع داستان گویی در جریان تغییرمذهب ایرانیان از آیین زردشت به اسلام، جوهره خود را حفظ کرد؛ اما برخی ویژگی های خود را از دست داد و بر بازیگری داستان گو اتکا پیدا کرد. در دوره اسلامی به سبب محدودیت هایی که در پی تفسیر آموزه های دینی برای هنرهای تجسمی و نمایشی به وجود آمد، داستان گویی نمایشی به روایتی محدود شد که غالباً یک نفره انجام می گرفت و آن را «نقالی» می خواندند. همین محدودیت موجب تقویت بازیگری شد و بر تعزیه تأثیر گذاشت. با عزاداری گسترده و نمایش گرایانه ای که در دوره صفوی آغاز شد و در قرون بعد به نمایش مصائب (تعزیه / شبیه خوانی) منجر گشت، زمینه اجتماعی مساعدی برای نمایش دادن و تجسم بخشیدن داستان های حماسی و مذهبی فراهم آمد و میراث داستان گویی نمایشی نقالان، این تحول را به کمال رسانید.

کلمات کلیدی:

ادبیات نمایشی، داستان، داستان گویی، نمایش، نمایش گری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/315595>

